

## فصلنامه پژوهشی های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره دهم (بهار ۱۴۰۱)

### بررسی نقش معلم در چگونگی ایجاد صفات مثبت پایدار در

### دانش آموزان پایه پنجم استان کرمانشاه

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

دکتر شهلا رضایی<sup>۱</sup>

زهرا ایزدپناه

سیمین حیدری رحیم آبادی

#### چکیده

آموزش و پرورش زمینه ساز رشد فکری، اخلاقی، فرهنگی و تربیتی انسان های یک جامعه پویا است. معلم با توجه به نفوذ معنوی و نقش الگویی خود در بین دانش آموزان، به عنوان رکن اصلی در پیشبرد این هدف محسوب می شود. معلم با محتوایی که در اختیار او قرار داده می شود برای رسیدن به هدف تلاش می کند، از جمله ملاک هایی که درگزینش و ارائه محتوای تربیتی مورد توجه قرار می گیرد ملاک های اخلاقی است. در این مقاله به چگونگی ایجاد صفت مثبت پایدار در دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی پرداخته شده است و راهکارهای زمینه سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با تأکید بر روش های آموزش اخلاق، همراه با نمونه هایی از سیره پیامبر (ص) و اهل بیت ع در سه دسته اخلاق گرای، پاکسازی اخلاقی و زیباسازی اخلاقی ارائه گردید. *مطالعات فرهنگی*

**واژگان کلیدی:** معلم، صفات مثبت، مدرسه، دانش آموزان، آموزش، تعلیم و تربیت، رشد

فکری

## مقدمه

اهتمام به اخلاق در مدارس غیرممکن نیست اما دشوار است. آموزش اخلاقی اگرچه لازم است ولی کافی نیست. حاصل آن نظم دادن و منضبط بارآوردن است که البته عمر و دوام زیادی ندارد. بیشتر به اطاعتی منفی و مطلق می‌انجامد که در نتیجه فعالیت بدنی دانش آموز در مدرسه است. از نظر برخی دانشمندان، کودک اصول اخلاقی خود را تا سن شش سالگی کسب میکند و لذا آموزش رسمی اخلاق در مدرسه به تنهایی چندان تاثیری در اخلاقی کردن وی نخواهد داشت. در واقع اگر آموزش اخلاق با زیرساخت‌های فطری و قلبی آدمی سازگار نباشد، حاصلی جز ریا و نفاق ندارد و به آسانی، تربیت شکل ریایی به خود می‌گیرد اخلاق به ضد اخلاق بدل می‌شود. به همین جهت است که مدیران و معلمان غالباً گله مند که با وجود اندرزه‌های اخلاقی که در کتب درسی گنجانده شده و سخنانی که در خلال برنامه صبحگاهی برای بچه‌ها ایراد می‌شود و وجود اشعار و جملات جالبی که بر در و دیوار مدرسه وجود دارد، بازهم رفتارهایی مثل تقلب، دروغ‌گویی، بی‌نظمی، خشخشونت و پرخاشگری اسباب زحمتشان است. واقعیت این است که بچه‌ها آن اندازه که تحت تاثیر رفتار و کردار بزرگترها قرار می‌گیرند تحت تاثیر گفتا زیبا و اغواکننده آنها قرار نمی‌گیرند به ویژه در روزگار امروز که به یمن گسترش اطلاعات در رسانه‌های گوناگون، معلومات و دانایی آنها در مسائل اخلاقی و اعتقادی بالا رفته است. مثال گاهی با تماشای یک فیلم مذهبی، بهتر و بیشتر معلم خود که میکوشد قصه آن را باز گوید، به موضوع اشراف دارند و کم و بی اشتباهات احتمالی معلمشان را هم یادآور میشوند. با این حال، همه اینها نوعی باور دانشی است و هنوز مانده تا به باور قلبی یعنی تربیت اخلاقی برسد. مقصود از تربیت و ایجاد صفات مثبت، فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است. برای همین است که در هر کشور آداب و رسوم اجتماعی ویژه‌ای بر اساس ملاحظات نژادی، سیاسی، دینی و جغرافیایی ظهور پیدا میکند که اصرار در تبلیغ آنها چه بسا به ترویج نوعی انحصارطلبی و خشونت منجر بشود. در صورتی که فرآیند اخلاق بشر و صفات مثبت با مسائل بنیادین انسانی ارتباط دارد و در فطر آدمی فارغ از نژاد، دین و زبان او رخ مینماید. پایبندی به اخلاق، وجه ممیزه حیات انسانی است. هدف غایی دین اسلام

نیز تکمیل مکارم اخلاقی است. اهمیت این مساله در دنیای لجام گسیخته امروز که فساد و جنایت از در و دیوار آن میبارد، بشدت احساس می‌شود.

### بخش اول: پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی ارتباط جو مدرسه و رشد اخلاقی تحقیقاتی اشرف، واسرمن، جنینگز و ریمن در دهه‌ی هفتاد انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که هر جو، شرایط خاصی را برای رشد اخلاقی فراهم می‌کند و در جو دموکراسی رشد اخلاقی تسهیل می‌شود (کد پور، ۱۳۳۱) تحقیقات نشان می‌دهند که تسلط معلم بر دانش موضوعی، تنها ۵۰ درصد بر روی موفقیت او در تدریس تأثیر می‌گذارد. ۵۰ درصد دیگر این موفقیت، به مهارت‌های ارتباطی او -ارتباط معلم با دانش آموزان، ارتباط معلم با والدین و سایر همکاران- بستگی دارد. همچنین ثابت شده است که میزان ارتباط و تعامل بین معلم و دانش آموز، تأثیر مستقیمی بر روی موفقیت تحصیلی شاگردان دارد (khan alamgir, ۲۰۱۷). بنابراین توانایی برقراری ارتباط مؤثر و ایجاد رابطه صمیمانه با دانش آموزان، والدین و همکاران، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که هر معلمی باید در خود تقویت کند.

### بند اول: زمینه سازی برای ایجاد یک محیط یادگیری امن و حمایتی

وجود روابط حمایتی بین معلم و دانش آموز، تأثیر مثبتی روی افزایش مشارکت دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها دارد. حتی ادعا می‌شود که روابط حمایتی می‌توانند این فرضیه را که "دانش آموزان کم بضاعت، موفقیت تحصیلی کمتری دارند" نفی کنند. (O'Connor & McCartney, ۲۰۰۷). اگر دانش آموزان در کلاس احساس امنیت کنند، می‌توانند در بحث‌های کلاسی شرکت کنند، افکار و عقاید خود را مطرح کرده، درخواست کمک کنند و سؤالات خود را آزادانه بیان کنند. در نتیجه سطوح بالاتری از مشارکت در کلاس اتفاق می‌افتد. همین موضوع باعث یادگیری بهتر و موفقیت بیشتر دانش آموزان می‌شود. مطالعه حاضر با هدف آزمون نقش واسطه‌ای هیجانات معلم در رابطه باورهای خودکارآمدی معلمان و تعامل معلم دانش آموز انجام شد. ۳۲۹ معلم زن به نسخه کوتاه مقیاس خودکارآمدی معلم (SF-TSES، شوارزرز، اسپیتزر و دیتنر، ۱۹۹۹)، سیاهه هیجانات معلم (TEI، چن،

۲۰۱۶) و پرسشنامه تعامل معلم دانش آموز (QTI؛ لارداسمی و کنی، ۲۰۰۱) پاسخ دادند. در مطالعه حاضر، از روش مدل یابی معادله ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر باورهای خودکارآمدی معلم با هیجانات مثبت معلم و تعامل مثبت با دانش آموز، مثبت و معنادار و با هیجانات منفی معلم و تعامل منفی معلم با دانش آموز، منفی و معنادار بود. همچنین، نتایج نشان داد اثر هیجانات مثبت بر تعامل معلم دانش آموز مثبت و معنادار و با تعامل منفی معلم با دانش آموز، منفی و معنادار بود. علاوه بر این، نتایج نشان داد اثر هیجانات منفی بر تعامل مثبت معلم با دانش آموز منفی و معنادار و با تعامل منفی معلم با دانش آموز، مثبت و معنادار بود (محمدی ۱۳۹۷).

تعامل معلم-دانش آموز بر درگیری تحصیلی و سازگاری دانش آموزان با مدرسه اثر مستقیم دارد. اثر غیرمستقیم تعامل معلم-دانش آموز بر سازگاری با مدرسه با واسطه‌گری درگیری تحصیلی نیز معنی دار بود. بدین ترتیب باید گفت که تعامل معلم-دانش آموز می‌تواند هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم و از طریق درگیری تحصیلی بر سازگاری دانش آموزان با مدرسه مؤثر باشد. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان گفت برای افزایش احتمال سازگاری دانش آموزان با مدرسه، باید به روابط مثبت آن‌ها با معلمان و نیز ارتقای درگیری تحصیلی آن‌ها توجه شود. اعتمادی زاده (۱۳۹۹)

حاکمی از رابطه مثبت مدیریت کلاس مبتنی بر یادگیری اجتماعی-هیجانی و ابعاد آن با سواد هیجانی بود. همچنین بین نزدیکی معلم-دانش آموز با سواد هیجانی رابطه مثبت و بین تعارض معلم-دانش آموز با سواد هیجانی رابطه منفی وجود داشت ( $p < 0/01$ ). براساس نتایج رگرسیون سهم مدیریت کلاس مبتنی بر یادگیری اجتماعی-هیجانی ( $\beta = 0/258$ ) و نزدیکی معلم-دانش آموز ( $\beta = 0/113$ ) در پیش بینی سواد هیجانی مثبت و معنی دار بوده است ( $p < 0/01$ ). با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که مدیریت کلاس مبتنی بر یادگیری اجتماعی-هیجانی به معلمان آموزش داده شود و ارتباط معلم-دانش آموز نیز در برنامه‌های ضمن خدمت معلمان گنجانده شود. ایجاد چنین محیط حمایتی، با استفاده از بهبود ارتباط معلم با دانش آموزان امکان‌پذیر است. به عنوان معلم باید نسبت به دانش‌آموزان خود شناخت کافی به دست آورید و به آن‌ها این اطمینان را بدهید که از قضاوت و تحقیر در

کلاس، در امان هستند. نگرش مثبت، احترام به دانش‌آموزان، دلسوزی و همدلی با آن‌ها در ایجاد محیط امن و قابل اعتماد بسیار کمک کننده هستند. معلم می‌تواند از شیوه‌های خاص در کلاس استفاده نماید مانند:

- طرح دقیق و عمیق اخلاق، همراه با تمثیل و طرح سئوالاتی از دان آموزان در زمینه مثالها مطرح شده

- تشویق دانش آموزان به مطالعه کتابهای اخلاقی

- مباحث اخلاقی با رهبری معلم

- بحث پیرامون احساسات و ارتباطات شخصی و اخلاقی آن

- اجرای نمایش‌هایی که دانش آموز خود ایفاگر نقشهای مثبت و سازنده باشد

- استفاده از فیلم‌های اخلاقی

استفاده از ضبط، ویدیو، تا رفتارهای واقعی بچه‌ها ضبط شود و برای شناخت بیشتر از خودش بشه او عرضه شود. صمیمیت مفهومی گسترده است که در هر فرهنگی وجود دارد (محرابیان، ۱۹۷۱). در واقع، در چین (میرز، زانگ، گان، ۱۹۹۸) در آلمان (بایرن وراچ، ۲۰۰۱) ژاپن (هینکل ۱۹۹۸، نیو لیب، ۱۹۹۷) کنیا (جانسون، مایلر، ۲۰۰۲)، فنلاند، استرالیا و تا حد کمتری در پورتوریکو (مک کراسلی، فایر، ریچمن، سالین وبراکلوچ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶) درک فراگیر از صمیمیت جویی غیرکلامی با یادگیری عاطفی رابطه دارد. با پیشرفت و تحولات شگرف علمی جهان در دنیای ارتباطات و فناوری اطلاعات هنوز هیچ جایگزینی برای معلم یافت نشده است، بنابراین هر تغییر و تحولی در کیفیت آموزشی و هر تحولی و هر تلاشی برای تغییر بنیادی نظام، بدون تحول در نظام معلمی امکان پذیر نخواهد بود (شاه‌محمدی، ۱۳۹۱) فتحی آذر و کریمی (۱۳۸۵) تدریس از جمله مفاهیم پیچیده و چندوجهی در سیستم آموزشی هر کشور است که می‌تواند از فاکتورهای متعددمتأثر شود. موضوع درسی، معلم و شخصیت او، دانش‌آموز و کنش او در کلاس درس، جو کلی کلاس و غیره از مؤلفه‌هایی هستند که در فرایند تدریس در تعامل دائمی با یکدیگر بوده، چگونگی ترکیب آن‌ها عامل تعیین‌کننده کارآمدی یا ناکارآمدی تدریس است. با توجه به کنش متقابلی که بین معلم و دانش‌آموز در کلاس درس وجود دارد، نحوه رفتار

معلم عامل فوق‌العاده مهمی در جهت دهی به رفتار دانش‌آموزان در کلاس درس خواهد بود. از میان مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش پرورش، نقش معلم بسیار مهم و انکارناپذیر است، رفتار معلم تأثیر فراوانی بر رفتار و گرایش‌های دانش‌آموزان دارد (جعفری، ۱۳۸۹). رفتار میان فردی و خوب بودن او جنبه‌های مهم از محیط کلاس هستند معلمان برای بهینه کردن شرایط محیط می‌بایستی تلاش کنند تا محیط یادگیری قوی ایجاد کنند ممکن است معلمان قادر به ایجاد کلاس مطلوب‌تری باشند، محیطی موافق که از طریق روابط میان فردی مثبت شناسایی شده باشد که در آن هر فردی احساس خوبی داشته باشد (وان پتگم و همکاران، ۲۰۰۶) توانایی‌های معلم که توسعه روابط انسانی صحیح با دانش‌آموزان را ممکن می‌کند و نیز ظرفیت او را برای ایجاد کلاسی دموکراتیک و موافق، خصوصیت‌های مهمی برای تدریس کارآمد هستند (مویجس و ریپلدز، ۲۰۰۵).

طبق اصل صمیمیت محرابیان (۱۹۷۱)، افراد به اشخاص یا اشیائی که آن‌ها را دوست دارند، ارزش بالایی برایشان قائل‌اند و آن‌ها را ترجیح می‌دهند نزدیک شده و به سمت آن‌ها کشیده می‌شوند درحالی‌که از اشخاص و اشیائی که از آن‌ها بیزارند، آن‌ها را منفی ارزیابی می‌کنند یا ترجیح نمی‌دهند، اجتناب کرده و از آن‌ها دور می‌شوند. رفتارهای صمیمیت پیام‌های حاوی نزدیک شدن و دوست داشتن را از طریق نشانه‌هایی مانند دسترس‌پذیری برای ارتباط، کاهش فاصله فیزیکی و روانی بین افراد، افزایش تحریک حسی و صمیمیت میان فردی انتقال می‌دهند. رفتارهای صمیمت جویی غیرکلامی رایج عبارت‌اند از تماس چشمی، لمس کردن و دست زدن، حالت‌های بدنی خودمانی و راحت، حرکات و اشارات رسا و پرمعنی و صدای پرتنین و گرم. (اندرسون، ۱۹۸۵).

### بخش دوم: بررسی و شناخت تربیت اخلاقی (صفات مثبت)

واژه تربیت از ریشه «ربب» است و در کتابهای لغت، دارای معانی متعددی همچون سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، تادیب، چیزی را ایجاد و انشا کردن و به تدریج از حالت نقص به حد تمام رساندن و سوق دادن شیء به سمت کمال و رفع نقایص است. معنای تربیت از ریشه «ربب»، همین معنای اخیر است و سایر معانی همه از آثار و لوازم این معنا باشد؛ زیرا در تمام معانی مذکور، به گونه‌ای معنای تدبیر برای سوق دادن به سوی

کمال وجود دارد. در واقع، مشتقات کلمه تربیت از ریشه «رب» مانده ریوبیت، رب، مربوب، رب انی، ربیون و ارباب، در متون اسلامی فراوان به کار رفته است (ضرابی، ۱۳۳۱) تربیت در اصطلاح نیز عبارت است از فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌های را بروز دهد (مصباح، ۱۳۳۲) نقش مهم معلمان در سلامت و سعادت و تعالی جامعه بر کسی پوشیده نیست هر جامعه‌ای طالع خود را در چگونگی کار معلم می‌بیند و او را اولین و آخرین امید در تربیت و پرورش نوباوگان و نسل آینده‌ی کشور می‌داند. احراز مقام والای معلمی چندان هم ساده نیست. معلم باید با دلسوزی و فداکاری از جان و دل زحمت بکشد تا نسلی تربیت شده و سالم به جامعه تحویل دهد. او باید با صبر و حوصله و متانت اخلاق سرمشق پاکی و راستی و نمونه‌ی یک انسان کامل و صادق برای فرزندان این مرز و بوم باشد. معلم همواره باید وجدانی پاک و رفتاری پسندیده و مهر آمیز داشته باشد. معلم می‌تواند در کنار ارتباط سازنده با دانش آموزان و به کارگیری مهارت‌ها و راهبردها و روش‌های شناختی از طریق مدیریت و ساختارهای معمول کلاسی هم بر ادراک خویشتن دانش آموزان از کفایت و کنترل خود تاثیر بگذارد. شیوه‌ی رایج معلمان در مواجهه با مسایل انگیزشی همچون برخورد ایشان با دیگر مسایل آموزشی است. یعنی ابتدا این مسایل را برای کلاس در نظر می‌گیرند و سپس آن را با یک دانش آموزان تطبیق می‌دهند. آشکارا است که دانش آموزان برای یادگیری به آموزش نیاز دارند برای افزایش انگیزش درونی دانش آموزان در امر یادگیری ضروری است تا ادراک کنترل ایشان آسیب نبیند. همچنین برای تداوم این مهم می‌بایست آن‌ها فرصت داشته باشند تا اهداف تحصیلی خود را انتخاب کنند و بر آنها حاکمیت داشته باشند. در واقع معلمان باید آگاه باشند که چگونه فرصت انتخاب و حاکمیت را به دانش آموزان بدهند تا توانایی ایشان در عملکرد صحیح محفوظ بماند. اگر دانش آموز انتخاب نادرست داشته باشد با شکست مواجه خواهد شد. امکان دارد که دانش آموز از فرصت کنترل بر یادگیری خود برخوردار باشد اما با عملکردی نادرست کفایت لازم را از دست بدهد. معلمان می‌توانند در ارتباط با ابعاد محتوایی و روش کاری از دانش آموزان حمایت آموزشی به عمل آورند و دانش آموزان نیز همچون معلمان می‌توانند هم در زمینه‌ی محتوایی و هم روش کاری از انتخاب‌هایی

برخوردار باشند. در سن معینی که کودک پا به کودکستان و یا دبستان می‌گذارد و تجربه جدیدی را در زندگی آغاز می‌کند تصور و پندار معلمان درباره فرد و نحوه آشنایی شاگرد با معلمان و رابطه‌ای که بین معلم و دانش آموز ایجاد می‌گردد عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت و نحوه خویشتن‌پنداری دانش آموز به شمار می‌آید. معلمان علاقه مند با رفتار انسانی خود دانش‌آموزانی با صفات انسانی و علاقه مند در مدرسه به وجود می‌آورند. در حالی که معلمان بی‌علاقه و وقت‌گذران که به روابط انسانی بی‌توجهند دانش‌آموزانی افسرده و گریزان از مدرسه تربیت می‌کنند. اعتقاد و پندار معلم درباره نوع رفتار دانش آموز و توانایی‌های او و نحوه استفاده از این عوامل می‌تواند شخصیت دانش آموز را در مسیر خاصی پرورش دهد. معلمی که دانش آموز را در مدرسه با کلماتی نظیر تنبل، بی‌عرضه و بیچاره نامگذاری می‌کند، نباید از دانش آموز توقع داشته باشد که فرد علاقه مند و منطقی‌ای شود. تربیت اخلاقی، بخشی مهم از علم اخلاق را تشکیل می‌دهد و چون مباحث آن عمدتاً ناظر به راهکارهای عملی و آرائی<sup>۱</sup> توصیه‌هایی در باب عمل است، گاهی از این بخش با نام «اخلاق عملی» یاد می‌شود. در مقابل، به آن بخش از مباحث اخلاقی که بشه توصیه‌ها و اصول اخلاقی می‌پردازد، «اخلاق نظری» می‌گویند مدرسه، نخستین نهاد رسمی است که از طریق معلمان، گروه همسالان، جو مدرسه، و برنامه درسی تعلیمات مدنی (لنگتون، ۱۳۹۳) دانش‌آموزان را هم به نحوه کار اجتماع محدودشان (مدرسه) و هم جامعه‌های که در داخل آن سهمی خواهند داشت و بالتبع از حقوق و مسئولیت‌های برخوردار خواهند شد قادر می‌سازد (باتری، ۱۳۳۳) در این رابطه معلمان به عنوان افرادی که در بالاترین سطوح از تعامل میانفردی با دانش‌آموزان قرار دارند و الگویی قابل مشاهده و در دسترس برای سازندگان فردای اجتماع تلقی میشوند، قابل بررسی و تأمل است.

گینات (۲۰۱۴) به‌طور کلی ارتباطات انسانی را به دو مقوله کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌کند. بیشتر متخصصان تعلیم و تربیت، ارتباط را نوعی رابطه دوطرفه می‌دانند. هرچند که رابطه یک‌طرفه نیز ممکن است وجود داشته باشد. ارتباطات معلم و شاگرد هر دو ویژگی را دارد. هم کلامی و هم غیرکلامی است. هرگاه معلم مطرح‌کننده سؤال یا اظهارکننده پیام و مطلبی است باید درنهایت بداند واکنش شاگردان نسبت به آنچه بوده است (بازخورد).



عمده‌ترین مسئله و مهم‌ترین مهارت هنگام تدریس، برقراری ارتباط صحیح میان معلم و شاگردان است. چنانچه این رابطه به‌خوبی برقرار شود، هدف‌های آموزشی باکیفیت و سهولت بیشتری تحقق می‌یابند. برقراری ارتباط دارای اصول و فنون شناخته‌شده‌ای است که آشنایی با آن‌ها برای معلمان ضرورت دارد. برخلاف روابط جامد مکانیکی، رابطه معلم با شاگردان در کلاس درس از نوع روابط پیچیده انسانی است و در برقراری ارتباط انسانی عوامل متعدد و گوناگونی مؤثرند. معلم نقش مهمی در سلامت فکری و روانی دانش‌آموزان دارد. به طوری که مطالعات نشان داده است دانش‌آموزان معلمان متعادل، از تعادل روانی و آرامش بیشتری برخوردارند.

- قراردادن آنها در موقعیت هیجانی تا بتوانند مسایل اخلاقی و شخصی خود را حل کنند

- در اختیار قراردادن تجربیات دیگران، برای اینکه درک آنها وسعت یابد

این روش‌ها نظر دان آموز را جلب میکند و انگیزه یادگیری قوی می‌گردد. مثال ایجاد موقعیتهای خاص هیجانی با ضبط رفتار واقعی بچه‌ها باعث می‌شود مسایل و مشکلاتشان را به شکل ملموسی بشناسند و درصدد حلش آن برآیند. از نقش بازیکردن نیز میتوان استفاده قابل توجهی نمود. اگر فردی دارای یک مشکل اخلاقی است. مثال ترسو است باید به او اجرای نقش فرد شجاعی را داد. این شیوه باعث انتقال و ایجاد این روحیه در او می‌گردد. معلم نباید خود را به یک شیوه محدود نماید بلکه باید ترکیبی از روش‌ها را داشته باشد. همچنین معلم باید در آموزش اخلاقی همانند کل آموزش، رعایت تفاوت فردی دان آموزان را بنماید. بعضی از دانش‌آموزان به مثال‌های بیشتر، بحث وسیع‌تر و شیوه‌های خاص تری نیاز دارند. (حسینی، ۱۳۳۱)

### **بخش سوم: نقش الگویی معلم**

باتوجه به آنچه گفته شد وظیفه معلم به امر تدریس و آموزش محدود نمی‌شود. بلکه معلم مسئول تربیت روح و روان و عقل و فکرش شاگردان است. او شخصیت و رفتار دانش‌آموز را شکل می‌دهد و تثبیت مینماید. بنابراین قبل از هرچیز شخصیت و رفتار خود معلم باید ساخته شده باشد. نقاط ضعف و قوت شخصیت معلم از حد وجود او فراتر می‌رود. بلکه تمام قوت و ضعفهای در آئینه پاک روح دانش‌آموزان منعکس می‌شود. پس اگر معلم دارای

صداقت، گذشت: بزرگواری، انساندوستی و غیره باشد. این صفا را بشه متعلمشان منتقل میکنند و اگر خود دچار خصوصیات ناپسند اخلاقی باشد، هر چند هم در باب فضایل سخن بگوید، نقاط ضعف او اثر منفی خود را باقی میگذارد. در مدرسه دو خرده فرهنگ را میتوان از یکدیگر متمایز کرد: خرده فرهنگ دان آموزان و خرده فرهنگ معلمان. البته ارزشهای ایشان دو خرده فرهنگ متفاوت هستند. ارتباط و دلبستگی نوجوان به معلمان، تأثیر زیادی روی علقهها، نگرشها، تفکرا و تمایلات وی به جا میگذارد. به همین خاطر، هرچه ارتباط و علاقه نوجوان به معلم بی تر شود، آثار و پیامدهای آن بازتر و آشکارتر خواهد شد. ایشان ارتباط و علاقه، به شکلهای گوناگون درمیآید که اساس آن، به شخصیت معلم، میزان تعهد او به شغل خود، میزان درک و شناخت وی نسبت به مرحله نوجوانی و طریقی حل مشکل آن بستگی دارد. چنانچه معلم نسبت به دانش آموزان امر و نهی، تهدید، تعقیب و آزار و شکنجه اعمال کند، دانش آموزان را از خود دور میسازد و میان خودش و آنها جدایی میندازد؛ در نتیجه، مورد بحث آنها قرار نمیگیرد. برعکس، معلم خوب و عادل که همواره با دان آموزان همکاری صمیمانه دارد و هنگام درخواست کمک، از سرزنش آنها پرهیز میکند، میتواند محبت و اعتماد دان آموزان را به خود جلب کند. بیابانگرد، ۱۳۳۹ مربیان و مسؤولان تعلیم و تربیت، نباید از پرورش «تفکر نقاد» نسبت به فرزندان و دانش آموزان، غفلت کنند، زیرا برخورداری از اندیشه‌ی منتقدانه، مانع همانند سازی افراطی می‌شود و از ویژگیهایی چنین تفکری، ارزیابی منصفانه و آگاهانه نقاط قوت و ضعف الگوها و سرمشقهای انسانی خواهد بود آموزش شیوه‌ای نقد اندیشه‌ها و تحلیل رویدادها، کمک شایان توجه‌ای به این نسل خواهد کرد. زیرا بشر جوانان را درک میکنند، اما قدرت تحلیل آنها را ندارند و نیز برقراری رابطه بین حوادث با سایر پدیده‌های اجتماعی، در توان همه‌ی نسل جوان نیست، بلکه معدودی میتوانند به تحلیل منطقی بپردازند.

### بخش چهارم: زمینه سازی اخلاق در آموزش و پرورش

اخلاق و محتوای تعلیم و تربیت امروزه در اینباره که بخشی از آنچه به دان آموز انتقال داده می‌شود، باید فضایل اخلاقی و مناسبات انسان دوستانه در ارتباطات گروهی و رعایت هنجارهای اخلاقی در استفاده صحیح از طبیعت باشد، بحثی نیست؛ اما باید توجه شود از

ارائه مستقیم اخلاقیات پرهیز شود و کمتر اخلاقی در قالب یک درس و یک کتاب آموزش داده شود؛ بلکه تلاش شود اخلاقیات به صورت غیر مستقیم و ضمن سایر دروس آموزش داده شود؛ چرا که در غیر این صورت، نه تنها درس اخلاق به لفاظی اخلاقی خواهد انجامید، بلکه آن هم به مانند سشایر دروس، بشه صورت حفظی \_ یادسپاری و یادآوری و تکرار بدون کمترین کاربرد عملی، تدریس خواهد شد (ظهیر، ۱۳۳۱)

اخلاق و مقررات آموزشی و پرورش در حوزه آموزش و پرورش، اخلاق و قواعد اخلاقی هم در قالب نوع عمل و رفتاری که از متصدیان و مجریشان و نیز مخاطبشان آموزش و پرورش انتظار می‌رود و هم درباره مقررات ناظر به تحقیقات تعلیم و تربیت، تجلی ویژه‌ای دارد. از دیرباز تاکنون، اخلاقیات آموزشی \_ که همان رفتارهای شایسته و هنجارهای مناسبی است که استاد نسبت به شاگرد و شاگرد نسبت به استاد باید در نظرش داشته باشد \_ جایگاهی خاص دارند؛ امری که گاه از آن به «آداب آموزشی» ادب معلم و استاد و ادب درس و... تعبیر می‌شود. ایشان آداب، گذشته از آنکه فرایند یادگیری را رونق خاصی می‌بخشند، نوعی تعامل و رابطه عاطفی ویژه را در محیط آموزشی و تربیتی ایجاد می‌کنند و خود، از مؤثرترین شیوه‌های آموزشی و ترویج فضایل اخلاقی به شمار می‌آیند (حاجی ده آبادی، ۱۳۳۳) تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کشمکش به آنها جهت رفتار بشود روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود. آنچه که در مدرسه به طور آگاهانه انجام می‌گیرد جهت تربیت اخلاقی و ارزشی به یادگیری‌های برنامه‌ریزی شده و هدفمند و عالمانه در بر نامه‌های درسی اشاره دارد. این فعالیت آگاهانه بشه برنامه درسی - که خود موضوع درسی، محتوا و مهارت‌های خاص و نگرش‌های از قبل تعیین شده را شامل می‌شود - مربوط است. به هر حال، تلاش دانش آموزان برای فهم و درک اینکه چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، به شدت تحت تاثیر جنبه‌های برنامه‌ریزی نشده و جنبه‌های آشکار و پنهان کار مدارس قرار می‌گیرد در این زمینه راهکارهایی زیر آرایه می‌شود.

## نتیجه گیری

آموزش، بدون ایجاد رابطه‌ی معنایی نخواهد داشت معلمان در همان آغاز کار خود پی می‌برند که نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد (یغما، ۱۳۸۴، ۱۰۵). آنان از خود می‌پرسند، آیا به پرورش دانش آموزان پرداخت و به آن‌ها عشق ورزید و یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آن‌ها داشت؟ آیا باید به دانش آموزان نزدیک شد یا از آن‌ها فاصله گرفت؟ در این مقاله سعی شد به این سوال‌ها پاسخ داده شود. این موارد پرسش‌هایی است که اغلب معلمان تازه کار در اندیشه آن هستند. معلمان با تجربه که شیوه‌ی خاصی را پس از طی سال‌ها بر گزیده‌اند، کمتر در این موارد می‌اندیشند. به هر حال توصیه می‌شود تا معلمان به تاثیر نوع ارتباط خود بر شکل‌گیری گرایش‌های انگیزش دانش آموزان توجه کنند. روابط مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل میان معلم و دانش آموز هم موجب می‌شود تا دانش آموز به معلم وابسته نشود و هم انگیزه تحصیلی وی را افزایش می‌بخشد و صفات مثبت را یاد بگیرد.

## منابع و مآخذ

- ≠ باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۳۱ش، تهران، انتشارا مدرسه
- ≠ بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۳۹ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ≠ پورظهیر، علینقی، «آموزش اخلاق در دبستان»، مجموعه مقال سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، ۱۳۳۱ش، تهران، انتشارات تربیت
- ≠ حاجی ده آبادی، محمدعلی، چشماندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش، کتاب دوم تربیت اسلامی، ۱۱۲ش، تهران، نشر تربیت اسلامی
- ≠ حسینی، افضل الملوک، تربیت اخلاق ۳ جایگاه مدرسه در تربیت اخلاقی، مجله تربیت، آذر ۱۳۳۱، شماره ۹۳
- ≠ داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت تربیت اخلاقی، (۱۳۳۳ش، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
- ≠ دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ۱۳۳۳ش، قم، نشر معارف، ص. ۱۳
- ≠ ضرابی، عبدالرضا، «تربیت محبت محور»، اسلام و پژوه‌های تربیتی، ۱۳۳۱ش، سال سوم، ش ۱
- ≠ کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ۱۳۳۳ش، تهران، انتشارا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عج
- ≠ کدپور، پروین، ۱۳۳۱. بررسی رشد قضاوت‌های اخلاقی در رابطه با جو سازمانی مدرسه و نحوه‌ی تعامل معلم با دانش آموزان



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی